

کلام جدید

جلسه بیست و چهارم: هرمنوتیک - بخش چهارم

استاد احسان عبادی

تایپ و تنظیم:
محمد جواد اسماعیلی

۱۳۹۸

در جلسه بیست و چهارم با موضوعات زیر آشنا خواهید شد:

پیشینه قرائت‌های مختلف از دین

پیشینه قرائت‌های مختلف از دین در یهودیت

پیشینه قرائت‌های مختلف از دین در مسیحیت

پیشینه قرائت‌های مختلف از دین در اسلام

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا
وَ عَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

السلام عليك يا مولانا يا صاحب العصر والزمان، السلام عليك يا بقيه الله في ارضه.

خدایا ، در این لحظه و در تمام لحظات ، سرپرست و نگاهدار و راهبر و یاری گر و راهنما و دیدبان ولیّات ، حضرت حجّه بن الحسن ، که دروهای تو بر او و بر پدرانش باد ، باش، تا او را به صورتی که خوشایند اوست ، و همه از او فرمانبری می‌نمایند ، ساکن زمین گردانیده ، و مدّت زمان طولانی در آن بهره‌مند سازی.

پیشینه قرائت‌های مختلف از دین

بحث هرمنوتیک را پیش می‌بریم. جلسه قبل مباحثی گفتیم که قلمرو هرمنوتیک در چه حیطه‌ای است. در این جلسه وارد بحث پیشینه قرائت‌های مختلف از دین می‌شویم.

می‌خواهیم در ادیان یهودیت، مسیحیت و اسلام بررسی کنیم این پیشینه چطور بوده و چطور بحث می‌کردند. وجود فرقه‌های متعددی که در ادیان مختلف مخصوصا مسیحیت وجود دارند خودش نشان می‌دهد بحث تعدد قرائت‌ها یا بحث هرمنوتیک یک بحث تاریخی است. به هر حال فرقه‌ها قرائت‌ها و برداشت‌های مختلف از منابع دینیشان دارند که باعث شد چندین فرقه شوند. حتی متوجه می‌شویم نه تنها در مباحث دینی حتی در مباحث سیاسی و اقتصادی این قضیه خودش را نشان می‌دهد. مانند لیبرالیسم، سوسیالیسم که هر کدام برداشت‌های متعددی از مبانی سیاسی دارند که باعث شده که فرقه‌های متعددی در این زمینه شکل بگیرد. پس این بحث مهم است که فقط در زمینه دینی نبوده و در مباحث سیاسی و اقتصادی هم بوده است.

پیشینه قرائت‌های مختلف از دین در یهودیت

در غرب برای اولین بار آقای دان‌هاور در سال ۱۶۵۴ از این واژه استفاده کرد و کتاب هرمنوتیک قدسی یا روش تفسیر متون مقدس را ارائه کرد و بر اساس آن این نگاه‌ها را پیش برد.

کسی که بیش از همه به تاویل و تفسیر فلسفی و عرفانی عهد قدیم که برای یهودی‌ها قابل احترام است پرداخت و از هرمنوتیک یعنی هنر تفسیر متن استفاده کرد آقای فیلون بود. او در قرن سی قبل از میلاد بود. چون عاشق افلاطون بود و به تفاسیری بر مبنای نگاه افلاطونی کتاب مقدس پرداخت. مبانی کتاب مقدس را با فلسفه یونان تطبیق می‌داد. می‌گفت مطالب کتاب مقدس علاوه بر ظاهری که دارند باطن هم دارند. ما باید به باطن هم نگاه کنیم. او یک روش ذوقی داشت و افکارش هم بر مکتب کابالا بزرگترین نحله عرفانی یهود تاثیر زیادی داشت.

جالب اینجاست بعدها نهضتی ایجاد شد که می گفت باید به ظاهر کتاب مقدس برگردیم. این تاویل ها و تفسیرها یک مقدار تفسیر به رای است و ممکن است یک مقدار کار ما را خراب کند و نتوانیم به تفسیر درست برسیم. اما خیلی ها قبول نکردند و جالب اینجاست که افکار فیلون به مسیحیت هم انتقال پیدا کرده بود. پس در یهودیت می توانیم جناب فیلون را بنیان گذار این تعدد قرائت ها بدانیم.

پیشینه قرائت های مختلف از دین در مسیحیت

اولا ضرورت استفاده از هرمنوتیک در دین مسیحیت تطبیق زندگی حضرت عیسی با متن عهد قدیم بود. مسیحی ها هم عهد جدید را قبول دارند هم عهد عتیق را. یعنی کتاب مقدس شامل دو قسمت است. قسمت اول عهد قدیم و قسمت دوم عهد جدید. یهودی ها فقط عهد قدیم را قبول دارند و مسیحی ها هر دو عهد را قبول دارند. اما می دیدند یک سری مبانی و مفاهیم عهد جدید با عهد قدیم نمی خواند. مثلا در عهد قدیم شراب در تورات حرام اعلام شده است اما در عهد جدید می بینید که حضرت عیسی با حواریون شراب می خوردند. این تناقض را چطور جبران می کنند. برای رفع این تناقض گفتند بحث تفسیری به راه بیندازیم و تفسیر به رای کنیم. نوعی تفسیر کنیم که بتوانیم این گره را باز کنیم. اینجاست که قرآن می فرماید متون و دست نوشته هایی از خود درمی آوردند و می نوشتند و آن را به خدا نسبت می دادند در اینجا نمود پیدا می کند.

از آنجا که این طور کارها نیاز به توجیهات داشت علمای مسیحی جلو آمدند و توجیه کردند که عهد قدیم مانند یک جسم است و عهد جدید یک روح. جسم هم ممکن است بر اساس روح تغییر کند، یا جسم را باید بر اساس روح تفسیر کرد. روح مهم تر است. هر جا بین جسم و روح تعارض دیدید متوجه شوید که روح مهم تر است. مثلا در تورات آمده که حضرت مسیح یک پادشاه قدرتمند است، چون یهودی ها عقیده دارند آن منجی آخرالزمان ماشیح است ولی ربطی به حضرت عیسی ندارد و کس دیگری است. هر کسی هست پادشاه قدرتمندی است، اما مسیحی ها می گویند این ماشیح همان حضرت عیسی است.

اینجا تناقض پیش می آید. آن ها که می گویند ماشیح همان حضرت عیسی است، واقعیت را نگاه کنید از آمدن حضرت عیسی تا مصلوب شدن او سه سال بیشتر طول نکشید و پادشاهی آن چنانی نداشت پس مسیح واقعی نبود. تناقضی پیش می آید بین متن تورات و انجیل. اینجا علمای مسیح این طور توجیه کردند که همان پادشاه قدرتمندی که در تورات نام برده شده همان حضرت عیسی است اما پادشاهی حضرت عیسی در زمین نیست یعنی بعد از رجعت اوست.

نگاه کنید هر طور دلشان بخواهد توجیه می کنند تا تناقض پیش نیاید. از اینجا بود که به خاطر وجود برخی مطالب در انجیل که با عقل و علم جور در نمی آمد بحث هرمنوتیک طرفداران خاصی پیدا کرد و در جهان مسیحیت شیوع پیدا کرد.

مثلا مباحث حرکت زمین به دور خورشید. آنها یک عمر می گفتند زمین مرکز است و خورشید به دور زمین می چرخد. بعد گالیه اثبات کرد که زمین می چرخد و خلاصه آن ها دیدند که این مباحث علمی با انجیل نمی سازد راه تفسیر به رای را باز کردند و هرمنوتیک در اینجا به کار آن ها آمد. حتی به خاطر این قضایا جنگ های متعددی بین کاتولیک ها و پروتستان ها در گرفت که کشتارهای زیادی را هم همراه داشت.

پیشینه قرائت های مختلف از دین در اسلام

در دنیای اسلام که بیشتر شرقی بودند بحث هرمنوتیک به شیوه افراطی مانند غرب مطرح شده نبود. دانشمندان علوم قرآن و اصول و فقه مباحثی را مانند علم تفسیر، تاویل، روش های تفسیری، مباحث الفا، صرف و نحو و همه این ها نیت مولف را باور داشتند و تلاش می کردند تا نیت مولف را بفهمند.

کسی که می خواهد قرآن تفسیر کند باید سعی کند منظور خدا را بفهمد نه اینکه بگوید منظور خدا مهم نیست و نظر من مهم است و من هر چه برداشت کردم درست است. این تفسیر به رای می شود. ما در تفسیر قرآن حق تفسیر به رای نداریم. ما در تفسیر قرآن باید طبق یک اصول، چارچوب، طبق یک منطق قرآن را تفسیر کنیم. هر تفسیری از آیات که خارج از اصول اسلامی و دینی باشد اصلا آن تفسیر قابل قبول و پذیرش نیست، چون ما به نیت مولف قرآن که خداست توجه داریم. ما توجه داریم به نیت مولف حدیث که اهل بیت هستند. پس هرمنوتیک به آن صورت که در غرب مطرح است در جهان اسلام مطرح نیست چون ما باید نیت مولف را قبول داشته باشیم و کشف کنیم. اصلا تفسیر یعنی این که نیت مولف را کشف کنید. به همین خاطر می گوئیم که هیچ کدام از تفاسیر قرآن کامل نیست و کامل ترین تفسیر قرآن همانی است که معصوم می گوید. روایات تفسیری ما متأسفانه اندک است.

هرمنوتیک در بین مسلمین دو گرایش عمده داشت. یکی گرایش عقلانی که گرایش کلامی و فلسفی در بحث هرمنوتیک در بین مسلمین است. شاید بتوانیم آغاز این بحث را سوالات معتضدی ها در مورد آیات مربوط به رویت خدا ببینیم. قرآن می فرماید در قیامت می شود خدا را دید و خدا کرسی دارد و عرش دارد. معتضدی ها فرقه ای از اهل سنت هستند. البته یک مقدار عقل گرا هستند. سوالاتی برای آن ها پیش آمد رویت خدا و عقل گرایی و عرش و کرسی به چه معناست. آیات متشابه را در برابر آیات محکم قرار می دادند. در مباحث علوم قرآنی گفتیم آیات محکم آیاتی است که شما از ظاهر می توانید متوجه شوید منظور چیست. اما آیات متشابه آیاتی است که نیاز به توضیح دارد مانند کرسی و عرش و امثالهم.

عده ای از این جماعت اهل ظاهر شدند. یعنی به ظاهر آیات توجه می کردند. ظاهر آیات می گوید خدا کرسی دارد یعنی خدا واقعا روی صندلی و کرسی می نشیند که رهبر اینها احمد بن حنبل متوفی قرن سوم بود. مالک بن انس. این ها ظاهر آیات را پذیرفتند. اما متکلمین معتزلی حجت داشتن ظاهر این آیات را نپذیرفتند و اصلا آن را با عصمت قرآن، با عظمت خدا و منزّه بودن خدا در

تعارض دیدند. گفتند ممکن نیست و خدا جسم نیست که این کارها را بکند. پس این آیات را به کنایه و استعاره تاویل و توجیه کردند.

ما شیعیان هم این نظر را داریم که عرش خدا کنایه از قدرت خداست. ما هم هرمنوتیک را قبول داریم اما از نوع صحیح. بحث هرمنوتیک عقلی در زمان فردی به نام ابن رشد اندلسی به اوج خود رسید که در قرن ششم بود. برای این که هماهنگی هایی بین دین و فلسفه ایجاد کند سراغ تاویل و تفسیر رفت. گفت آیات قرآن درست است ظاهر دارد اما باطن هم دارد و باید به باطن هم توجه شود. هم مردم و هم فهم مردم متفاوت هستند. ما باید بتوانیم مطالب را به مقتضی فهم مردم بگوییم تا هر کس به فراخور فهم خودش متوجه شود. به همین خاطر برخی آیات راحت و برخی پیچیده هستند که اهل فن متوجه شوند. در امتحانی که معلم می گیرد نمی تواند همه سوالات را آسان مطرح کند، باید سخت هم بگیرد تا خوب و بد با هم مشخص شوند. تفسیر قرآن تا جایی که مخالف عقل و شرع و چهارچوب دین نباشد ایرادی ندارد اما وقتی مخالف بود باید کنار گذاشته شود. ملاصدرا از علمای شیعه بعدها این اصل را تعمیم داد و گسترده تر کرد.